

مطالعه تراکم اراضی دایر کشاورزی در ایران

مجید کوپاهی

دانشیار گروه اقتصاد کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران - کرج

تاریخ وصول، هفتم دی ماه ۱۳۶۴

چکیده

هدف این مطالعه بررسی چگونگی توزیع زمین های دایر بین طبقات مختلف بهره برداریها در سال ۱۳۶۱ و مقایسه آن با سال ۱۳۵۱ بود. در ضمن چون FAO نیز مطالعه مشابهی را در مورد ۶۷ کشور جهان در دهه ۱۹۷۰ انجام داده است لذا نتایج این بررسی با نتایج حاصل از بررسی فوق مقایسه گردید. در این مطالعه آمار منتشر شده توسط مرکز آمار ایران در مورد وسعت زمین های دایر بهره برداریهای کشاورزی در ایران برای سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۵۱ مورد استفاده قرار گرفته است.

دلیل انتخاب این دو سال این است که در سال ۱۳۵۱ اصلاحات ارضی رژیم گذشته عملاً پایان یافت و از طرف دیگر حرکاتی که باعث گردید وضع نظام مالکیت اراضی بعد از انقلاب اسلامی تغییر کند در سال ۱۳۶۱ تقریباً فروکش کرد.

بطور کلی وسعت متوسط بهره برداریها در ایران از ۶ هکتار در سال ۱۳۵۱ به ۵ هکتار در سال ۱۳۶۱ کاهش یافته است. این کاهش در نتیجه خرد شدن تعدادی از بهره برداریهای بزرگ انجام شده و نتیجتاً ضریب تراکم لورنس در مورد اراضی دایر بهره برداریها در ایران از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۶۱ تغییری پیدا نکرده است. در ضمن، این یکی از مواردی است که ضریب لورنس در مقابل تغییرات توزیع بهره برداریها حساسیتی نشان نمی دهد؛ لذا یکی از نکات ضعف شاخص مزبور می باشد، در حالیکه می توان این تغییرات را با مطالعه و مقایسه منحنی های توزیع لاگ نرمال مربوطه با هم به سادگی دید.

مقدمه

زمین چند جنبه مهم دارد :

- ۱- زمین یکی از عوامل مهم سرمایه ای است که کشاورز بوسیله آن تولید درآمد و خوراک برای عائله خود می کند
- ۲- کشاورز برای خود و خانواده اش بر روی زمین ایجا

اشتغال می نماید

- ۳- داشتن زمین ایجاد نوعی تشخیص می کند و در واقع کشاورز صاحب زمین، خود را شریک کشور می داند و نسبت به آن دلسوزی بیشتری احساس می نماید.
- لذا نحوه توزیع زمین بین کشاورزان همیشه از نظر

اقتصاد دانان و متخصصان سایر رشته های علوم انسانی
جالب بوده است .

هدف این مطالعه تعیین درجه تراکم اراضی
دایر کشاورزی در ایران در سال ۱۳۶۱ و مقایسه آن با
سال ۱۳۵۱ می باشد . بدلیل تغییرات زیادی که در
نظام بهره برداری در ایران بعد از انقلاب اسلامی رخ
داده است انتظار می رود که اندازه مزارع دستخوش
تغییرات عمده شده باشد . برای این منظور تراکم
اراضی دایر کشاورزی در سالهای ۱۳۶۱ و ۱۳۵۱ مورد
مطالعه و مقایسه قرار گرفت . چون در سال ۱۳۶۱
هیجانات و حرکات تغییر دهنده نظام مالکیت اراضی
کشاورزی که بعلمت انقلاب اسلامی ظهور کرده بود
تقریباً " پایان یافت (هرچند که مساله مالکیت زمین
حل نشده باقی ماند) و بسال ۱۳۵۱ هم اصلاحات ارضی
رژیم گذشته پایان پذیرفت .

در ضمن چون سازمان خواربار و کشاورزی جهانی
مطالعه مشابهی را در مورد ۶۷ کشور مختلف انجام
داده است لذا نتایج این بررسی، اساسی را بسرای
مقایسه وضع تراکم اراضی دایر کشاورزی در ایران با
کشورهای مزبور فراهم می سازد .

مواد و روشها

در این بررسی چند پارامتر توزیع بهره برداریها
بر حسب اندازه مورد استفاده قرار گرفته است:

۱- ساده ترین و عمومی ترین پارامترهای مربوطه
میانگین وسعت بهره برداریها است .

۲- پارامتر دیگر وسعت بهره برداری " میانسه "
است، " میانسه " اندازه بهره برداری است که ۵۰٪
بهره برداریها کوچکتر و ۵۰٪ دیگر بزرگتر از آن

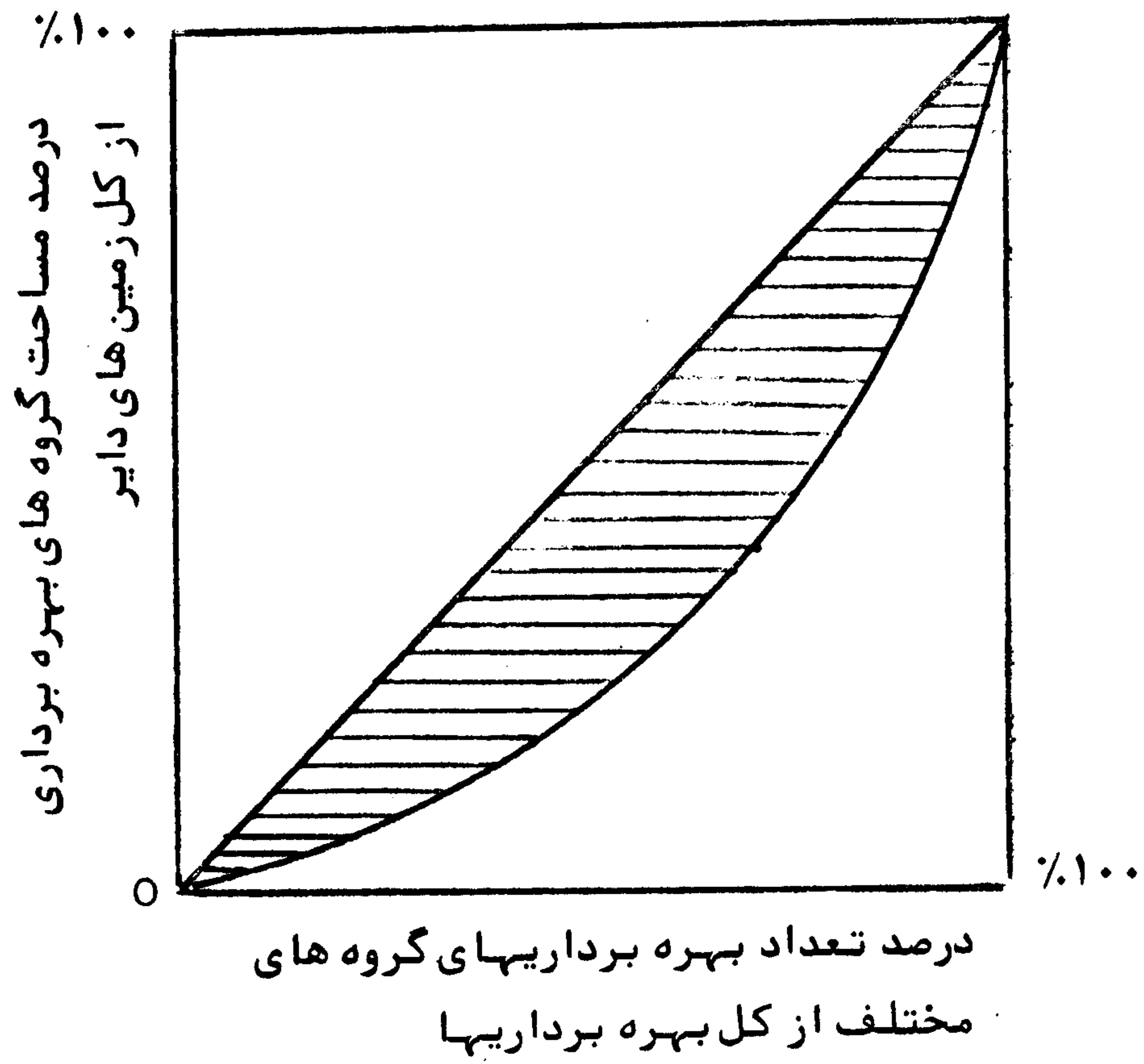
می باشد .

۳- يك معيار ديگر منحنی لورنس " شاخص لورنس "
یا " شاخص تراکم " است . شاخص لورنس (گماهی
" ضریب جی نی " هم گفته می شود) معیار مهمی از تراکم
وسعت بهره برداریها است . اگر بر روی محور افقی
در صد تعداد بهره برداریهای که وسعت آنها
کوچکتر از S_i است و بر روی محور عمودی در صد
مساحت بهره برداریهای مزبور از کل زمینهای دایر
کشاورزی را نشان دهیم و نقاط مربوطه را بهم وصل
کنیم (شکل ۱) منحنی لورنس بدست می آید .

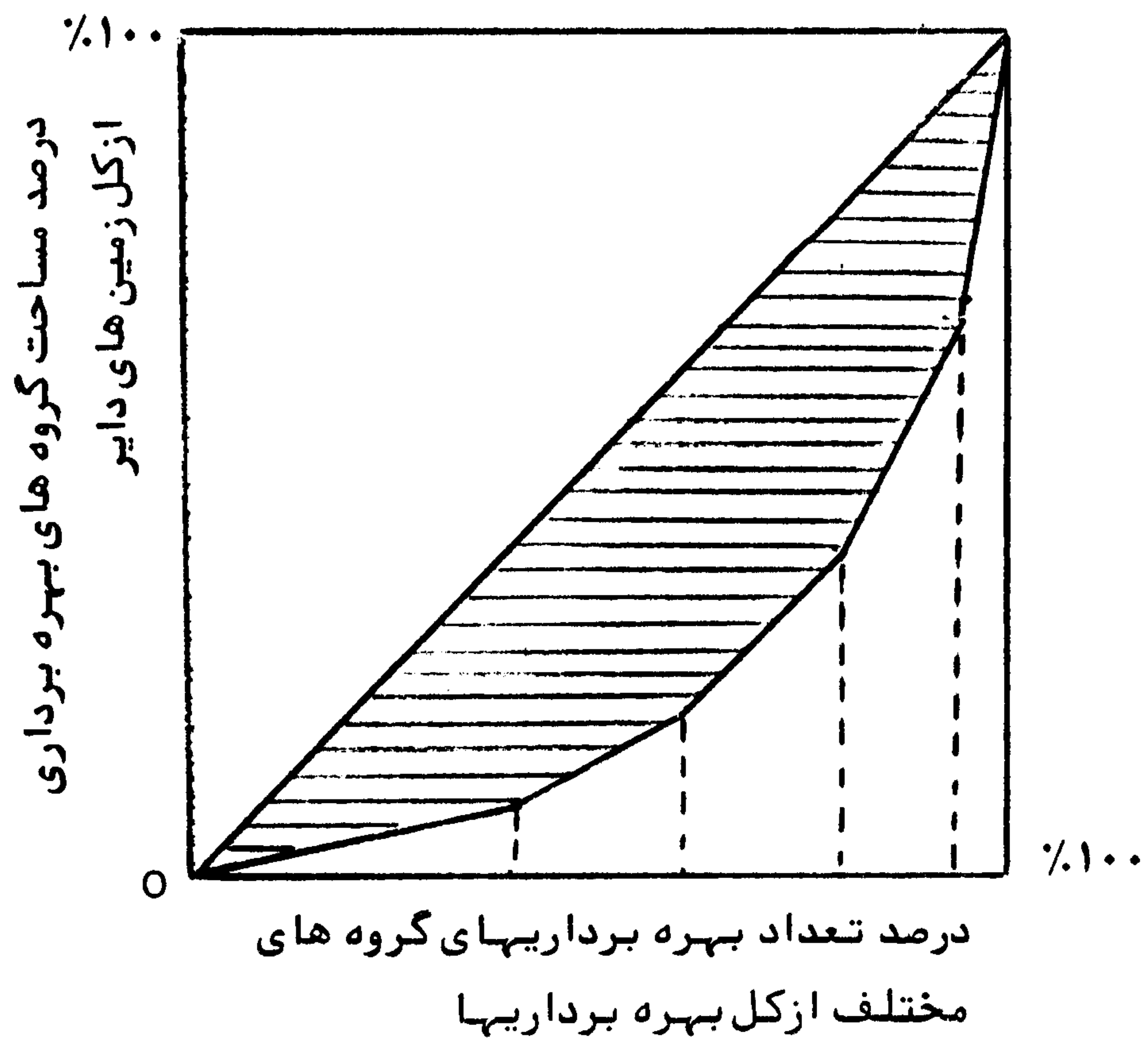
در شکل ۱ شاخص لورنس برابر نسبت مساحت
قسمت هاشور خورده (که بین خط ۴۵ درجه و منحنی
لورنس قرار گرفته است) به مساحت مثلث حاصل از
خط ۴۵ درجه و دو محور عمود بر هم می باشد . از آن
جائی که مساحت این مثلث ۵/۰ است لذا شاخص
لورنس مساوی دو برابر مساحت منطقه هاشور خورده
خواهد بود . حدود این شاخص بین صفر و يك می باشد .
هر چقدر توزیع عادلانه تر باشد مقدار این شاخص
کوچکتر خواهد بود بطوریکه اگر تمام بهره برداریها
دارای وسعت یکسان باشند منحنی لورنس منطبق بر
خط ۴۵ درجه بوده و ضریب جی نی آن مساوی صفر
خواهد بود و زمانی که فقط يك بهره برداری شامل
تمام اراضی دایر کشاورزی کشور بوده و بقیه بی زمین
باشند شاخص لورنس برابر يك خواهد بود .

در عمل، داده های موجود در مورد توزیع تعداد
و مساحت بهره برداریها معمولاً " بصورت گروه های
هستند و نه بصورت مقادیر پیوسته وسعت، بنابراین
این با استفاده از این داده ها نمی توان يك منحنی
صاف و پیوسته لورنس رسم کرد بلکه نمودار مربوطه

شکل ۱- یک منحنی لورنس صاف



شکل ۲- یک منحنی لورنس شکسته



مثل شکل ۲ خواهد بود.

اگر تعداد گروه های بهره برداری زیاد باشد می توان منحنی لورنس را از خط منکسر حاصل برآورد کرد ولی در صورتیکه تعداد این گروه ها کم باشد مقدار برآورد شده معیار رضایت بخشی نخواهد بود.

برای محاسبه منطقه هاشور خورده در شکل ۲ ابتدا سطح زیر منحنی لورنس را با جمع کردن مساحت ذوزنقه های مربوط به گروه های مختلف بدست می آوریم. در این صورت شاخص (I) برابر با یک منهای دو برابر حاصل جمع مزبور خواهد بود.

۴- با لایحه، معیار نسبت میان توزیع وسعت بهره برداریها بر میان توزیع تعداد بهره برداریهاست. فرض شود N_1, N_2, \dots, N_n درصد های تعداد بهره برداریها با اندازه های کمتر از S_1, S_2, \dots, S_n و A_1, A_2, \dots, A_n درصد های وسعت این بهره برداریها از کل اراضی دایر کشور باشد (S_1 حد پائین گروه وسعت و N_i تعداد گروهها است) اگر این نسبت ها بر مقیاس " لاگ نرمال" رسم شوند، اندازه میانه برای توزیع تعداد بهره برداریها برابر S_m خواهد بود، بطوریکه نسبت بهره برداریهای با اندازه کمتر از S_m مساوی ۰/۵ است از آن جایی که توزیع بهره برداریها بر حسب اندازه های پیوسته نیست، لذا اندازه میانه را نمی توان دقیقاً از آمار موجود بدست آورد.

در این جا فرض می شود توزیع بهره برداریها بر اساس وسعت، بصورت لاگ نرمال است. بنابراین برای پیدا کردن اندازه میانه توزیع تعداد بهره برداریها، ابتدا باید گروه J را طوری تعیین کنیم که $N_j < 0.5$ و $N_{j+1} > 0.5$ باشد، سپس S_m بوسیله تخمین، برآورد می شود. با در نظر گرفتن این واقعیت

که وسعت بهره برداریها بر روی محور افقی (که بصورت لگاریتمی افزایش می یابد) و درصد بهره برداریها بر روی محور عمودی (که دارای توزیع نرمال احتمالاتی یعنی بین صفر و صد است) نشان داده شده است، براحتی می توان وسعت بهره برداری میانها را از شکل حاصل خواند.

میان توزیع وسعت بهره برداریها (S_{ma}) هم با همان طرز برآورد می شود.

اگر نسبت میان توزیع وسعت بهره برداریها به میان توزیع تعداد بهره برداریها محاسبه شود معیار نسبتاً خوبی از طرز توزیع وسعت بهره برداریها به دست می آید. در ضمن شیب خط لاگ نرمال هم نسبت معکوس با واریانس توزیع (δ) وسعت های بهره برداریها خواهد داشت.

ماخذ داده ها :

در این بررسی نتایج آمارگیری کشاورزی روستیها سال ۱۳۶۱ و ۱۳۵۱ مورد استفاده قرار گرفته است. تعریف بهره برداری کشاورزی :

بنا به تعریف مرکز آمار ایران (۱۳۵۱) واحد بهره برداری عبارتست از یک واحد تولیدی کشاورزی واقع در آبادی نمونه که در آن یک یا چند فعالیست کشاورزی تحت یک مدیریت قرار داشته و اداره امور فنی و اقتصادی آن بر عهده یک بهره بردار یا چند بهره بردار بطور مشترک می باشد. در این طرح واحدهائی که تولید آنها برای فروش نیست، در صورتیکه حداقل یکی از فعالیتهای آنها به حساب نصابهای زیر نرسیده باشد بهره برداری به حساب نیامده است.

زراعت : حداقل ۴۰۰ متر مربع زمین زیر کشت

تعریف FAO از واحد بهره‌برداری هم در این جا ذکر شود.
 FAO واحد بهره‌برداری را بصورت زیر تعریف کرده است:
 " بهره برداری از نظر آمارگیری کشاورزی، یک واحد اقتصادی، فنی و تولیدی کشاورزی است که شامل همه دام‌ها و هم‌زمین‌هایی بوده که کلاً" و یا بخشی از آن برای مقاصد کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد و بوسیله یک یا چند نفر بدون در نظر گرفتن شکل قانونی، سند، اندازه و مکان اداره می‌شود".
 صرف نظر از جزئیات، تعریف بهره‌برداری در هر دو مورد تقریباً " مشابه هم می‌باشد".

نتایج

الف- محاسبه وسعت بهره‌برداریها
 پس با در نظر گرفتن ارقام جداول ۱ و ۲ خواهیم داشت :

محصولات سالانه و یا آیش
 باغداری : حداقل ۲۰۰ متر مربع زیر کشت
 محصولات دائمی (درختان مثمر و غیر مثمر)
 دامداری : حداقل ۲ راس گاو و یا ۴ راس گوسفند و بز
 پرورش ماکیان : حداقل ۱۰ قطعه از انواع طیور
 فعالیتهای پرورش زنبور عسل و کرم ابریشم در هر وسعتی بهره‌برداری شناخته شده است.
 در صورتیکه دو یا چند مورد از فعالیت‌های کشاورزی فوق تواما " انجام شود (چنانچه برای فروش و کسب درآمد نباشد) باید حداقل یکی از فعالیت‌ها به حد معین شده در بالا برسد تا بتوان آن واحد تولیدی را بهره‌برداری کشاورزی بشمار آورد.
 چون نتایج مطالعه FAO در مورد بعضی از کشورها با نتایج این بررسی مقایسه می‌شود لذا لازمست

جدول ۱- توزیع تعداد و مساحت اراضی دایر گروه‌های مختلف بهره‌برداری در سال ۱۳۶۱ در ایران

شماره گروه‌ها	گروه‌های بهره‌برداری	تعداد		مساحت	
		تعداد (صد بهره‌برداری)	درصد ساده	مساحت (صدهکتار)	درصد ساده ترکیبی
۱	کسب‌تراز ۱ هکتار	۸۶۳۰	۳۲/۵	۳۰۶۷	۲/۳
۲	۱ تا کمتر از ۲ "	۴۰۶۴	۱۵/۳	۵۵۲۷	۴/۲
۳	۲ تا کمتر از ۵ "	۶۲۳۸	۲۳/۴۸	۱۹۹۲۴	۱۵/۲
۴	۵ تا کمتر از ۱۰ "	۴۰۷۹	۱۵/۳۵	۲۸۰۶۴	۲۱/۵
۵	۱۰ تا کمتر از ۲۵ "	۲۹۸۴	۱۱/۲۳	۴۳۳۳۳	۲۳/۱
۶	۲۵ تا کمتر از ۵۰ "	۴۱۰	۱/۵۴	۱۳۶۰۳	۱۰/۴
۷	۵۰ تا کمتر از ۱۰۰ "	۱۱۱	۰/۴۱	۷۱۸۵	۵/۵
۸	۱۰۰ و بالاتر	۴۳	۰/۱۶	۱۰۰۸۹	۷/۷
	جمع	۲۶۵۵۹	۱۰۰	۱۳۰۷۹۳	۱۰۰

مأخذ : مرکز آمار ایران (۲) صفحه ۵۷ (درصدها توسط نویسنده محاسبه شده است) .

جدول ۲- توزیع تعداد و مساحت اراضی دایر گروه های مختلف بهره برداری در سال ۱۳۵۱ در ایران

شماره گروه ها	گروه های بهره برداری	تعداد		مساحت	
		تعداد (هزار بهره برداری)	درصد ساده	درصد ترکیبی	مساحت (هزار هکتار)
۱	بهره برداریهای کمتر از یک هکتار	۸۰۳	۳۱/۱۸	۳۱/۷۰	۳۲۰
۲	" " " " " " " " " " " "	۳۴۶	۱۳/۶۵	۴۵/۳۵	۵۱۰
۳	" " " " " " " " " " " "	۵۴۴	۲۱/۴۷	۶۶/۸۲	۱۸۶۰
۴	" " " " " " " " " " " "	۴۳۰	۱۶/۹۷	۸۳/۷۹	۳۱۸۰
۵	" " " " " " " " " " " "	۳۹۴	۱۵/۵۵	۹۹/۳۴	۶۹۸۰
۶	" " " " " " " " " " " "	۱۰	۰/۳۹	۹۹/۷۳	۷۱۰
۷	" " " " " " " " " " " "	۶	۰/۲۳	۱۰۰	۱۷۸۰
کل		۲۵۳۳	۱۰۰	—	۱۵۳۳۰

ماخذ : مرکز آمار ایران (۱) صفحه ۴۹۶ ، محاسبه شده از جدول ۱۱- کشاورزی .

سالهای ۶۱-۱۳۵۱ در حقیقت بعلت خرد شدن مزارع بزرگ صورت گرفته است .

ب - محاسبه شاخص لورنس

با استفاده از جداول او ۲ منحنی های لورنس برای تراکم اراضی بهره برداریها در سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۶۱ و نیز شاخص های لورنس مربوطه برآورد شد . بطوریکه در شکل های ۳ و ۴ دیده می شود ضریب تراکم لورنس در سال ۱۳۵۱ برابر ۰/۶۳ و در سال ۱۳۶۱ مساوی ۰/۶۴ بوده است یعنی این ضریب وضعیت تقریباً " مشابهی را در مورد توزیع وسعت اراضی بهره برداریها در سالهای مزبور در ایران نشان می دهد ، در حالیکه مقایسه جداول او ۲ نشان می دهد توزیع وسعت اراضی دایر بهره برداریها در این مدت تغییر یافته است . همچنانکه قبلاً هم گفته شد علت این تغییر خرد شدن زمین های بزرگ مالکان بوده است و نه

مساحت متوسط بهره برداریها در سال ۱۳۶۱ :

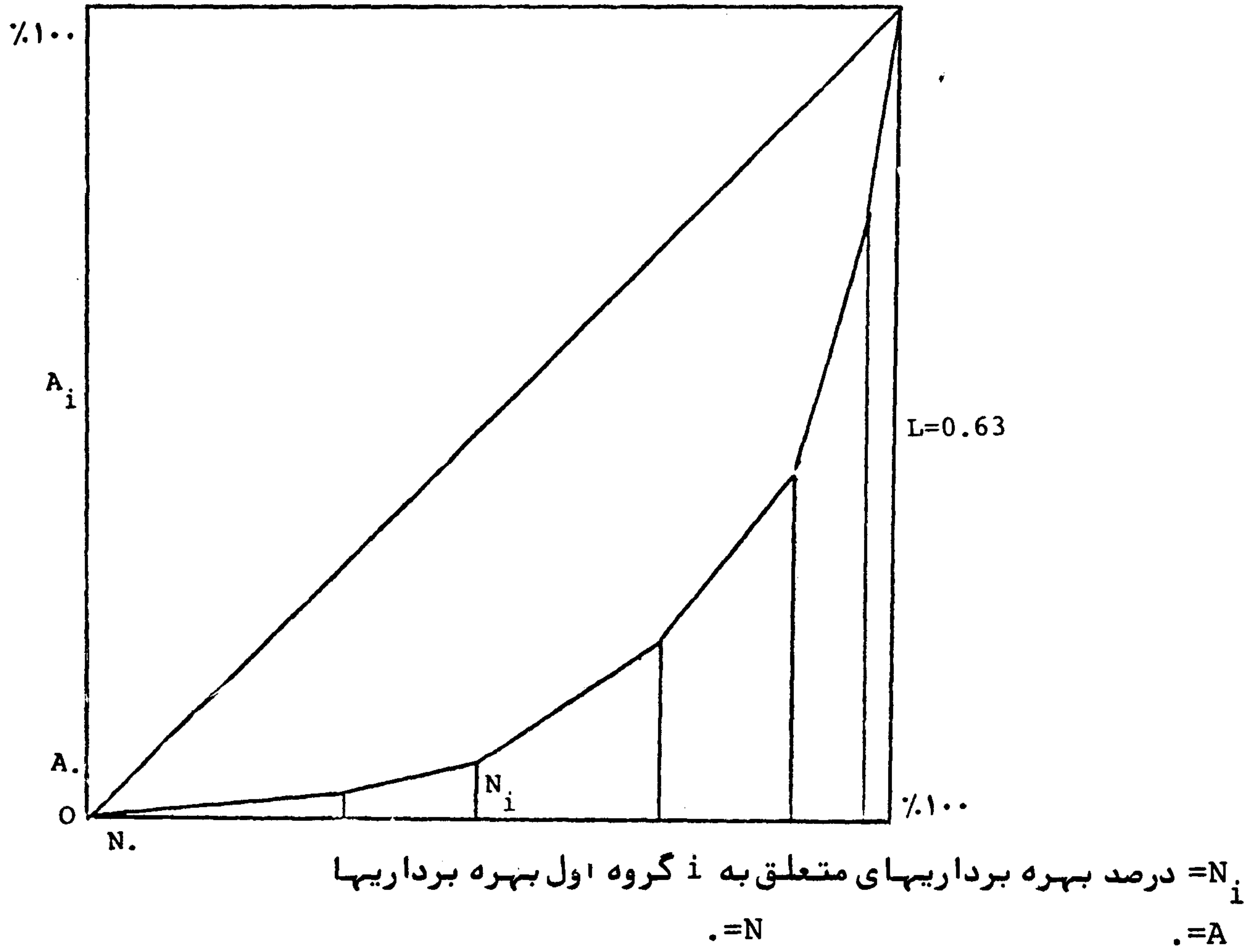
$$\frac{۱۳۰۷۹۳۰۰}{۲۶۵۵۹۰۰} = ۴/۹۲ \text{ هکتار}$$

مساحت متوسط بهره برداریها در سال ۱۳۵۱ :

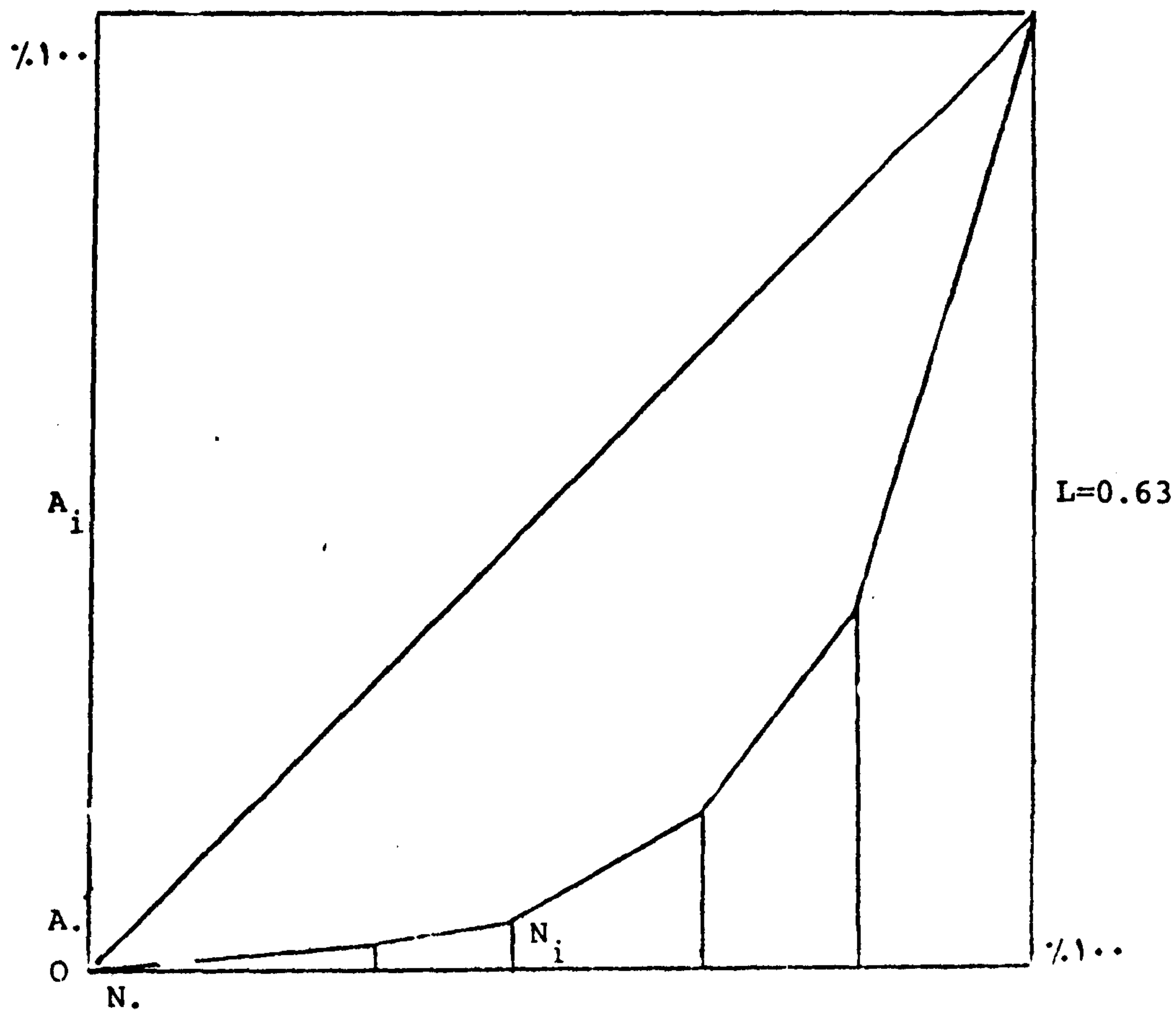
$$\frac{۱۵۳۳۰}{۲۵۳۳} = ۶/۰۵ \text{ هکتار}$$

از این جا دیده می شود که در فاصله سالهای ۱۳۶۱ - ۱۳۵۱ اندازه متوسط بهره برداریها از حدود شش هکتار به قریب پنج هکتار کاهش پیدا کرده است ولی تعداد بهره برداریهای خیلی کوچک (آنها نیکسه تا کمتر از ۲ هکتار زمین دارند) که دو گروه اول را تشکیل می دهند تغییر چندانی نکرده است و در واقع سهم این دو گروه از مجموع بهره برداریها حدود ۲ درصد هم افزایش پیدا کرده است . از این جا می توان نتیجه گیری کرد که کاهش اندازه متوسط بهره برداریها در فاصله

شکل ۳- منحنی لورنس توزیع اراضی دایر کشاورزی بر حسب اندازه بهره برداریها در ایران در سال ۱۳۶۱



شکل ۴- منحنی لورنس توزیع اراضی دایر کشاورزی بر حسب اندازه بهره برداریها در ایران در سال ۱۳۵۱



افزایش وسعت مزارع كوچك ولی از آن جایی که کاهش سطح ذوذنقه‌های بزرگتر با افزایش سطح مثلث و ذوذنقه مربوط به كوچکترین بهره برداریها جبران شده است.

ج - ترسیم روابط اندازه بهره برداریها با توزیع آنها در کل بهره برداریها

فرض شده است که توزیع تعداد بهره برداریها با مستحتمهای مختلف بصورت لاگ نرمال باشد. این پیش فرض براساس یافته های FAO در مورد ۶۷ کشور مختلف در دهه ۱۹۷۰ انجام شده است. نتیجه حاصل در شکل ۵ مشاهده می شود.

نتایج بدست آمده براساس نمودار اخیر عبارتند از :
برای سال ۱۳۶۱:

میانگین وسعت بهره برداریها = ۱۶ هکتار
وسعت میانگین تعداد بهره برداریها = ۲ "

$$\frac{\text{میانگین وسعت بهره برداریها}}{\text{وسعت میانگین تعداد بهره برداریها}} = \frac{16}{2} = 8$$

برای سال ۱۳۵۱

میانگین وسعت بهره برداریها = ۲۵ هکتار
وسعت میانگین تعداد بهره برداریها = ۲/۵ "

$$\frac{\text{میانگین وسعت بهره برداریها}}{\text{وسعت میانگین تعداد بهره برداریها}} = \frac{25}{2/5} = 10$$

بدلیل ترسیمی بودن این روش مسلماً " جواب های حاصل تا اندازه ای از دقت کمتری برخوردار خواهد بود. مسلماً " اگر تمام بهره برداریها دارای اندازه مساوی باشند شاخص فوق باید برابر با يك شود لذا هر چه این شاخص از يك بزرگتر می گردد نشانه توزیع غیر یکنواخت تر در اندازه بهره برداریها خواهد بود. به این ترتیب دیده می شود که توزیع وسعت بهره برداریها در سال ۱۳۶۱ نسبت به سال ۱۳۵۱ متعادل تر شده

است .

در جدول ۳ شاخص های تراکم بهره برداریها برای بعضی از کشورهای آسیائی که از طرف FAO محاسبه گردیده نشان داده شده است.

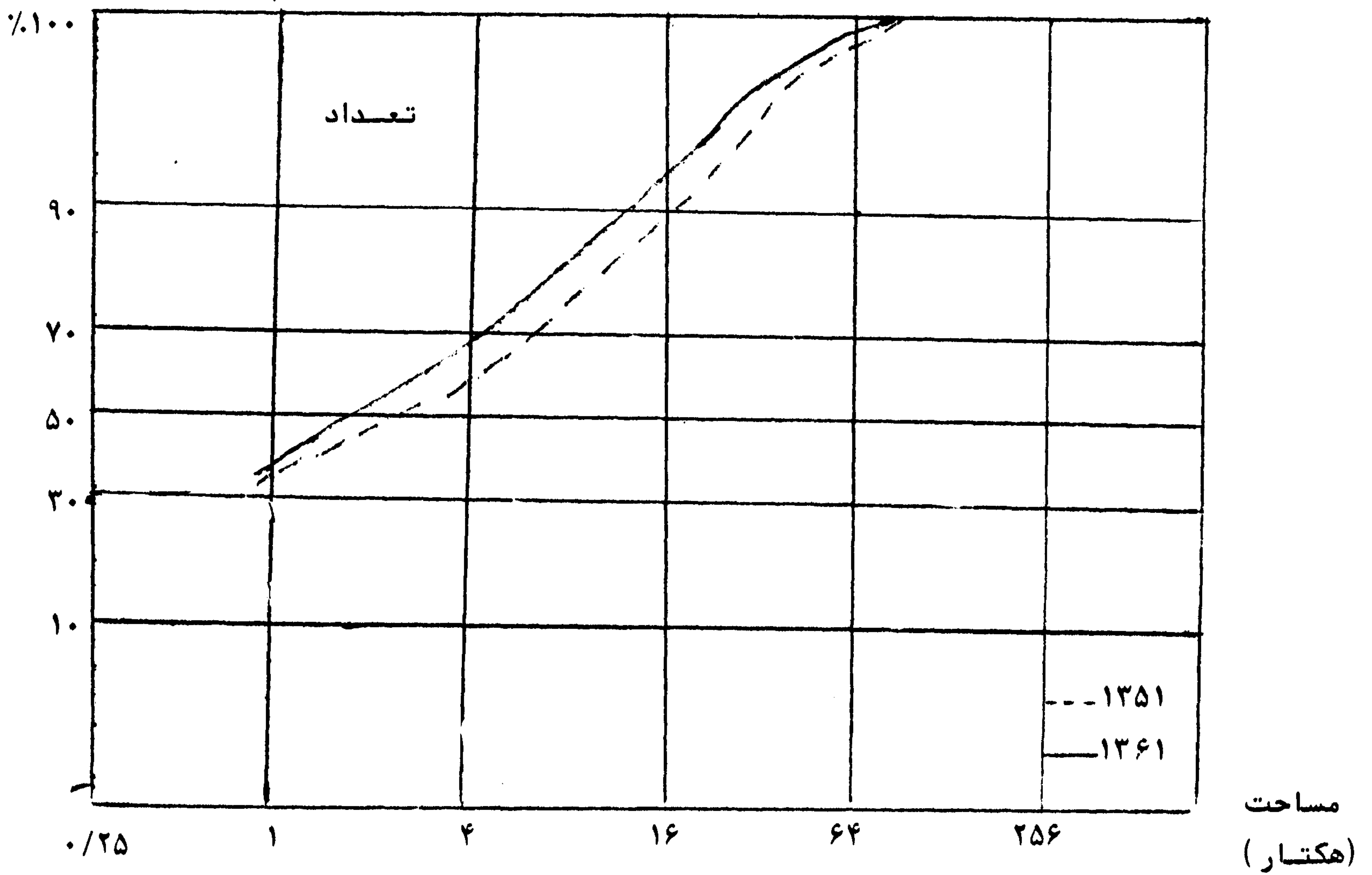
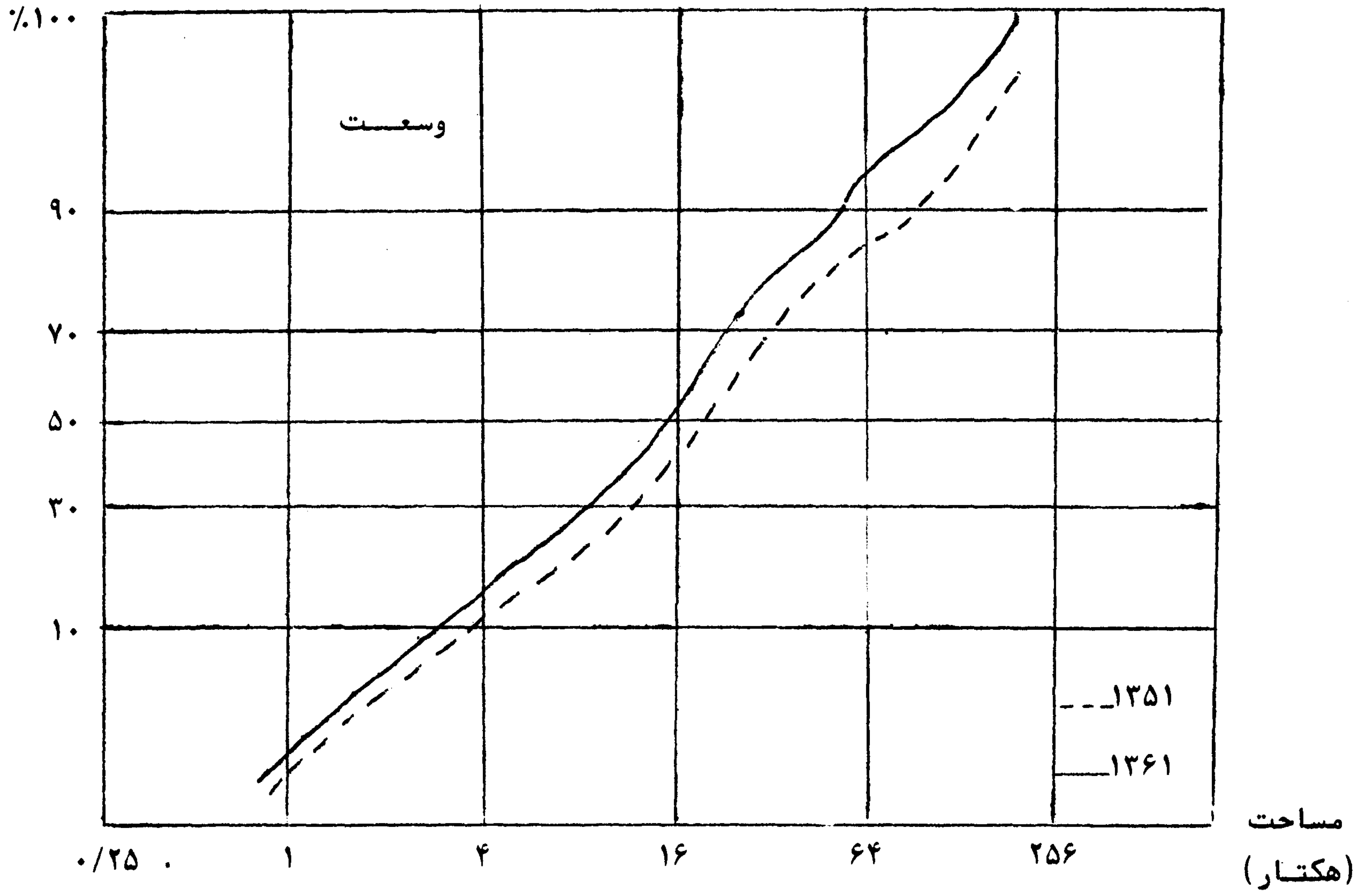
همانطوریکه در جدول فوق دیده می شود متوسط وسعت بهره برداری کشورهای مزبور بین ۰/۹ هکتار در کره تا ۹/۷ هکتار در عراق است بطور کلی مساحت بهره برداریهای متوسط در کشورهای پرجمعیت و کم زمین (ژاپن، کره و اندونزی) حدود يك هکتار است. کشور ایران از این لحاظ قابل مقایسه با کشورهای مثل پاکستان (۵/۳ هکتار) و کویت (۶/۱ هکتار) می باشد. ضریب تراکم لورنس برای ایسران تقریباً " مشابه کشورهای هندوستان ، اندونزی و عراق بوده است .

بحث

هر چند که هدف اصلی این مطالعه بررسی تراکم اراضی دایر کشاورزی در ایران در سالهای ۱۳۵۱ و ۱۳۶۱ و مقایسه تغییرات آن در سالهای مزبور بوده است ولی در ضمن با يك نمونه عملی آن درك گردید که با استفاده از منحنی لورنس و ضریب جسی نی نمی توان همیشه تغییرات تراکم يك عامل اقتصادی مثل زمین و ثروت و درآمد و غیره را مطالعه کرد و برای این کار لازم است که حتماً " از شاخص های دیگر هم استفاده شود.

نتیجه این مطالعه نشان می دهد که در سال ۱۳۶۱ در مقایسه با سال ۱۳۵۱ تعدادی از بهره برداریهای بزرگ خرد شده تبدیل به بهره برداریهای خیلی كوچك شده است. چون هنوز مساله مالکیت اراضی در ایسران

شکل ۵ - منحنی توزیع وسعت و تعداد بهره برداریها بصورت لاگنرمال در ایران در سالهای ۱۳۵۱ - ۱۳۶۱



جدول ۳ - وضع تراکم وسعت بهره برداریهای بعضی کشورهای آسیائی

کشور	سال آمار گیری	تعداد کل بهره برداریها	مساحت بهره برداریها (هکتار)	مساحت متوسط بهره برداریها (هکتار)	میانة وسعت برای تعداد (هکتار)	میانة وسعت برای مساحت (هکتار)	شاخص تراکم لورنس
ژاپن	۱۹۷۰	۵۳۴۱۸۴۴	۵۲۵۳۴۱۸	۱	۰/۷	۱/۴	۰/۹۰
کره	۱۹۷۰	۲۴۲۱۴۲۰	۲۱۳۲۲۳۳	۰/۹	۱/۷	۱/۲	۰/۳۷
فیلیپین	۱۹۷۱	۲۳۵۴۴۶۹	۸۴۹۳۷۳۵	۳/۶	۲/۴	۵/۴	۰/۵۱
بحرین	۱۹۷۳-۷۴	۸۵۵	۳۷۰۲	۴/۳	۲/۶	۷/۴	۰/۵۲
هندوستان	۱۹۷۰-۷۱	۷۰۴۹۳۰۰۰	۱۶۲۱۲۴۰۰۰	۲/۳	۱	۵/۵	۰/۶۴
اندونزی	۱۹۷۳	۱۴۳۷۵۳۴۲	۱۶۳۹۳۸۲۶	۱/۱	۰/۵	۲/۳	۰/۶۲
عراق	۱۹۷۱	۵۹۱۱۷۸	۵۷۳۲۴۸۱	۹/۷	۵/۱	۲۱/۶	۰/۶۵
پاکستان	۱۹۷۲-۷۳	۳۷۶۱۶۸۸	۱۹۸۵۴۳۱۱	۵/۳	۳/۴	۸/۵	۰/۵۲
کویت	۱۹۷۰	۴۴۹	۲۷۲۶	۶/۱	۱/۱	۲۵/۹	۰/۷۶
عربستان	۱۹۷۲	۱۸۰۶۷۰	۱۲۱۳۴۶۲	۶/۷	۱/۵	۳۹/۴	۰/۷۹

ماخذ : FAO (۳)

۱ - توزیع درآمد بخش کشاورزی - با در نظر گرفتن اینکه دو گروه اول بهره برداریها طبق جدول ۱ نزدیک به ۴۸ درصد زارعین زمین دار را تشکیل می دهند و اینکه در ۷۸/۲ درصد از زمین ها فقط غلات کشت می شود (۶/۶ درصد آبی و ۸۷/۱ درصد دیمی)، نتیجه می شود که بطور متوسط هر یک از بهره برداریهای گروه های ۱ و ۲ بطور متوسط حدود ۰/۴۵ هکتار غلات (حدود ۳۵۰۰ متر مربع آبی و ۱۳۰۰ متر مربع دیمی) کاشته و با در نظر گرفتن اینکه در آن سال بطور متوسط مقدار تولید گندم آبی در هکتار ۱۷۱۷ کیلو و گندم دیمی ۵۱۲ کیلو در هر هکتار^۱ برآورده شده است، لذا بهره بردار در گروه های ۱ و ۲ بطور متوسط حدود ۵۴۴ کیلو گندم تولید کرده (بدون در نظر گرفتن بذر) و در ۸۰۰ متر زمین

حل نشده، لذا بهتر است قبل از ارائه توصیه سیاست های کشاورزی به دولت در این باره، مطالعات بیشتری انجام شود. واضح است که علاوه بر وسعت زمین کیفیت و قدرت تولیدی آن نیز در ایجاد ثروت عامل خیلی مهمی است. با وجود این، آمار موجود نشان می دهد که توزیع زمین در سال ۱۳۶۱ (هر چند که در مقایسه با سال ۱۳۵۱ عادلانه تر بوده است) بگونه ای بوده که زارعین خرده پا نمی توانستند یک زندگی حداقل را که برای باقی ماندن در روستا لازمست فراهم آورند. جدول شماره ۴ توزیع کل زمین ها و زمین های آبی و دیمی را برای گروه های مختلف بهره برداری در سال ۱۳۶۱ نشان می دهد.

مطالعه جدول شماره ۴ از چند لحاظ اهمیت دارد:

۱- آمار مربوط به مراکز آمار ایران برای ۱۳۶۱ می باشد.

جدول ۴- مساحت کل زمین ها و زمین آبی و دیمی و متوسط آنها برای گروه های مختلف بهره برداری در سال ۱۳۶۱ (صد هکتار و صد بهره بردار)

دیمی	اندازه متوسط زمین		مساحت زمین دیمی	مساحت زمین آبی	مساحت کل زمین زیرکشت	مساحت کل آیش	مساحت کل زمین	تعداد بهره برداری	گروه های بهره برداری
	آبی	کل							
۰/۰۶	۰/۲۷	۰/۳۶	۴۸۳	۲۲۹۲	۲۷۷۵	۲۹۲	۳۰۶۷	۸۶۳۰۱	بهره بردار یبهای کمتر از ۱ هکتار
۰/۳۶	۰/۷۶	۱/۱۳	۱۴۷۲	۳۱۰۳	۴۵۷۵	۹۵۲	۵۵۲۷	۴۰۶۴	" " ۲ "
۰/۱۵	۰/۴۳	۰/۵۸	۱۹۵۴	۵۳۹۵	۷۳۵۰	۱۲۴۴	۸۵۹۴	۱۲۶۹۴	جمع دو گروه فوق
۱/۱۷	۱/۲۳	۲/۴۱	۷۳۲۹	۷۷۰۱	۱۵۱۳۱	۴۸۹۳	۱۹۹۲۴	۶۲۳۸	بهره بردار یبهای آتا کمتر از ۵ هکتار
۲/۹۱	۱/۷۷	۴/۶۸	۱۱۸۱۲	۷۲۱۰	۱۹۰۷۲	۸۹۹۲	۷۸۰۶۴	۴۰۷۹	بهره بردار یبهای ۵ تا کمتر از ۱۰ هکتار
۶/۴۹	۲/۷۵	۹/۲۴	۱۹۳۶۸	۸۱۹۲	۲۷۵۶۰	۱۵۷۷۲	۴۳۳۳۲	۲۹۸۴	" " ۲۵ " ۱۰ "
۱۲/۸۵	۷/۳	۲۰/۱۵	۵۲۶۸	۲۹۹۳	۸۲۶۰	۵۳۴۲	۱۳۶۰۲	۴۱۰	" " ۵۰ " ۲۵ "
۲۲/۴۳	۴۰/۵۵	۶۴/۷۲	۲۴۹۰	۲۰۱۱	۴۵۰۱	۲۶۸۳	۷۱۸۴	۱۱۱	" " ۱۰۰ " ۵۰ "
۶۶/۱	۸۲/۳۸	۱۴۸/۵	۲۷۷۶	۳۴۶۰	۶۲۳۷	۳۸۵۴	۱۰۰۹۱	۴۲	" " ۱۰۰ هکتار و بالاتر

ماخذ : مرکز آمار ایران (۲)

همین رقم را در مورد ایران هم قبول بکنیم بسه ایسن نتیجه می‌رسیم که حدوداً " هرزارع باید ۸/۳ ساعت در روز (باید نظر گرفتن اینکه سال زراعی تقریباً " ۳۰۰ روز کار است) کار انجام دهد. واضح است که حداقل زمین‌های زراعتی گروه‌های او آ در جدول ۴ به هیچ وجه امکان ایجاد این مقدار اشتغال را ندارند. پس برای داشتن یک حداقل در آمد و ایجاد ساعات اشتغال مناسب لازم است یک مطالعه دقیق بعمل آید که با در نظر گرفتن امکان اشتغال زارعین بی‌زمین در زمین‌های دیگران و در فعالیتهای دیگر روستا، چقدر کمبود زمین دارند تا بر اساس آن سیاست‌های صحیح کشاورزی اتخاذ شود.

آبی و ۲۰۰ متر دیمی باقی مانده می‌توانسته محصولات دیگر بکارد. از این رو بسادگی دیده می‌شود که در آمدی که صاحبان این دو گروه از بهره برداریها در سال ۱۳۶۱ از زمین‌های خود بدست آورده‌اند به هیچ وجه برای تامین یک زندگی حداقل کافی نبوده است.

۲- مساله بیکاری- فرض می‌شود که در یک بهره برداری به اندازه مطلوب هر زارع باید در سال تعداد ساعات معینی کار انجام دهد و کمتر از آن، میزان بیکاری را نشان می‌دهد مثلاً " کالین کلارک^۱ برآورد کرده است که در پاکستان برای اشتغال کامل لازم است یک زارع در سال ۲۵۰۰ ساعت کار زراعی انجام دهد اگرما

REFERENCES

مراجع مورد استفاده

- ۱- سالنامه آماری کشور، ۱۳۵۸. مرکز آمار ایران.
- ۲- نتایج آمارگیری کشاورزی روستائی، ۱۳۶۱. مرکز آمار ایران.
- 3- FAO, 1984, Agricultural Holdings in the world Census of Agriculture, a Statistical Analysis, Rome.
- 4- FAO, Rodha Sinha, 1984, Landlessness, a Growing problem, Rome.

۱- مراجعه شود به

Clark, in J.R. Andrus and A.F. Mohammed, The Economy of Pakistan, PP. 21-27.

Study of the Distribution of Agricultural Holdings By Size in Iran

M. Koopahi

Associate Professor, Department of Agricultural Economics,
College of Agriculture, University of Tehran, Karaj, Iran.

Received for Publication, December 12, 1985.

ABSTRACT

The purpose of this study is to investigate the distribution pattern of agricultural holdings by size in 1361 (1982) in Iran and compare it with 1351 (1972). The reason for selecting these two years is that in 1972 the land reform by the previous government was ended, also in 1982 the turbulence in land ownership system which came about after the Islamic revolution had come to an end (despite the fact that the issue of landownership has not been solved formally yet). Also, since the FAO has conducted similar research for 67 countries, therefore the results of this study can be compared with those of the FAO research.

In 1972 average holding size was about 6 hectares which reduced to 5 hectares in 1982. This decline in the size of the average holdings was due to the breaking of the large holdings.

The Gini coefficient for both years was estimated, but it did not show any significant changes for the period. This indicates that the Gini coefficient is not always a reliable index of concentration.